

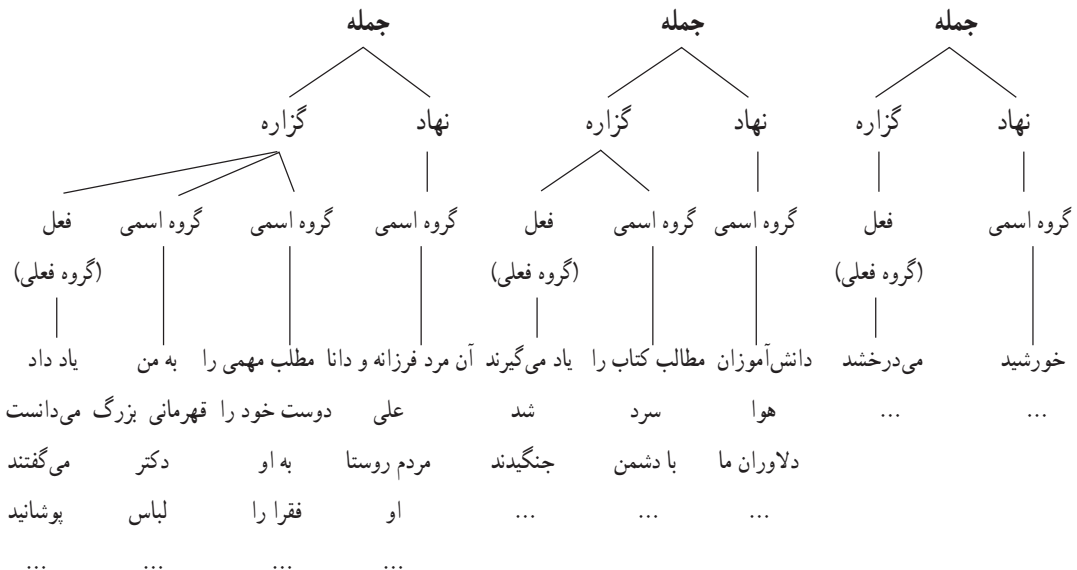
جمله و اجزای آن

می‌دانیم که جمله به دو بخش **نهاد** و **گزاره** تقسیم می‌شود.
نهاد جایگاه گروه اسمی است که پیش از این با ساختمان آن آشنا شده‌اید.
اکنون با ساختمان گزاره بیشتر آشنا می‌شویم.
به نمودارهای زیر توجه کنید.

نمودار (۳)

نمودار (۲)

نمودار (۱)



می‌بینیم که ساختمان گزاره سه گونه (نوع) است.^۱

۱- وجود مفعول، متمم و مسند در گزاره به نوع فعل بستگی دارد.

در نمودار (۱): فعل «می‌درخشد» به تنهایی جایگاه گزاره را اشغال کرده است. فعل‌های ناگذر چنین هستند.

در نمودار (۲): فعل‌های «یاد می‌گیرند»، «شد» و «جنگیدند» همراه یک «گروه اسمی» در گزاره به کار رفته‌اند، که نقش «گروه اسمی» در چنین گزاره‌هایی ممکن است:

۱- **مفعولی** باشد، مانند «مطالب کتاب» در جمله‌ی «دانش‌آموزان مطالب کتاب را یاد می‌گیرند».

۲- **مسندی** باشد، مانند «سرد» در جمله‌ی «هوا سرد شد».

۳- **متممی** باشد، مانند «دشمن» در جمله‌ی «دلاوران ما با دشمن جنگیدند».

توجه: درباره‌ی متمم چه می‌دانید؟ نشانه‌ی آن چیست؟

در سال اول خواندیم که **نشانه‌ی (نقش‌نمای) متمم حرف اضافه** است، پس در جمله‌های:

الف) وحید با دسته‌ی گل می‌آید

ب) وحید به دسته‌ی گل می‌ماند

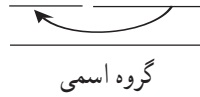
«دسته‌ی گل» در هر دو جمله متمم است، چون با نشانه‌ی (نقش‌نمای) حرف اضافه آمده است، با این تفاوت که اگر در جمله‌ی (الف) «دسته‌ی گل» را حذف کنیم به ساخت و معنای جمله آسیبی نمی‌رسد (**فعل به آن نیازمند نیست**)، حال آن که در جمله‌ی (ب) «دسته‌ی گل» را نمی‌توان حذف کرد (**فعل به آن نیازمند است**).

متمم‌های قابل حذف را «**متمم قیدی**» می‌نامند که **قید** محسوب می‌شوند و همانند قید می‌توان در هر جمله‌ای یک یا چند متمم قیدی را به کار برد، اما متممی که فعل به آن نیاز دارد، **متمم فعل** نامیده می‌شود و یکی از **اجزای اصلی** گزاره به حساب می‌آید و هر گزاره یا جمله تنها می‌تواند یک متمم فعل داشته باشد.

برخی از اسم‌ها نیز ممکن است به متمم نیاز داشته باشند، که هر چند وجودش برای آن اسم ضروری است، اما فعل به آن نیاز ندارد لذا جزء جداگانه‌ای به حساب نمی‌آید. بلکه با اسم همراهش یک گروه را تشکیل می‌دهد مانند:

الف) مهارت او در خواندن، ستودنی است.

ب) «او در خواندن مهارت دارد.»



در نمودار (۳) فعل‌های «یاد داد»، «می دانست»، «می گفتند» و «پوشانید» برای تشکیل گزاره به دو «گروه اسمی» نیازمندند.

نقش این گروه‌های اسمی چیست؟

نقش گروه‌های اسمی در چنین گزاره‌هایی ممکن است :

۱- مفعول + متمم : «آن مرد فرزانه و دانا مطلب مهمی به من یاد داد.»

نهاد مفعول متمم فعل

۲- مفعول + مسند : «علی دوست خود را قهرمان بزرگی می دانست.»

نهاد مفعول مسند فعل

۳- متمم + مسند : «مردم روستا به او دکتر می گفتند.»

نهاد متمم مسند فعل

۴- مفعول + مفعول : «او فقرا را لباس پوشانید.»

نهاد مفعول مفعول فعل

توجه: در نمونه‌های پیش فعل‌های «می دانست» و «می گفتند» غیر از گروه اسمی مفعول یا متمم، گروه اسمی دیگری را لازم دارند که آن را «مسند» نامیده‌ایم. پس علاوه بر مصدرهای (بودن، شدن، گشتن و ...) که سال پیش خواندیم، فعل‌های دیگری نیز هستند که ممکن است «مسند» بپذیرند :

باران هوا را سرد (گردانید / کرد / ساخت / نمود)

مسند

من او را عاقل (پنداشتم / دیدم / دانستم / یافتم)

مسند

همه او را علی (می نامیدند / می خواندند / می گفتند / صدا می زدند)

مسند

مردم علی را دانا (می‌شمارند / به‌شمار می‌آورند / به‌حساب می‌آورند)

مسند

خودآزمایی

- ۱- با رسم نمودار گروه‌های تشکیل‌دهنده‌ی هر جمله و نقش هر گروه را مشخص کنید.
الف) زندگی هدف‌دار آرزوی آزادمردان است.
ب) رستم چهره‌ای محبوب و ملی دارد.
پ) سهراب خود را به او می‌شناساند.
ت) مطالب اضافی در این درس نمی‌گنجد.
ث) زبان‌شناسان زبان را یک نظام می‌دانند.
- ۲- به هر کدام از جمله‌های بالا یک یا چند متمم قیدی اضافه کنید.